

تجلی و تجسم نور در نگارگری ایران

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر اندیشه حکمای اسلامی بر مبنای نور در نگارگری دوران اسلامی ایران است.

نگارگران مسلمان چونان سایر هنروران و پیشه‌وران دوران گذشته، پیرو آداب و آیین اسلامی بودند که برگرفته از آموزه‌های عرفانی و حکمی اندیشمندان مسلمان است. نظریه‌ها و آموزه‌های اندیشمندان مسلمان و تبیین مباحث معرفت‌شناسی ایشان با تمثیل مراتب نور، تأثیر زیادی بر باور و عملکرد نگارگران مسلمان داشته، چنان‌که این تأثیر به‌خوبی در صورت آثار نگارگران اسلامی آشکار است. این پژوهش به بررسی جایگاه نور در آثار نگارگری می‌پردازد که از جهت ساختار کلی و همچنین از جهت حضور نور در آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. حکمت نوری ایرانی - اسلامی که مبتنی بر وحی الهی است همان است که «سهروردی»، حکیم اشراقی ایران از آن به «حکمت خالده» تعبیر می‌کند. عصاره این حکمت از طریق آموزه‌های اسلامی در جنبه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی نفوذ یافته که هنر نگارگری ایران یکی از جلوه‌های بارز آن به شمار می‌آید.

کلید واژه‌ها: نگارگری، نور، حکمای اسلامی، حکمت نوری.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۳/۱۰

E-mail: shi_khademi@yahoo.com

مقدمه

کیفیت درخشان نقاشی‌های نسخ خطی ایرانی در دوران اسلامی به واسطه حضور رنگ‌های درخشان آن، همراه با روشنی چشم‌گیری که در بازنمایی صحنه‌های تصاویر شب هنگام نمایان می‌گردد موجب شده تا اکثر محققان هنر نگارگری ایران از حضور نوری فراگیر در اغلب این آثار سخن به میان آورند. پرسش نخست پس از مشاهده این تصاویر، منشأ و سرچشمه این نور است.

سیری کوتاه در تاریخ حکمی سرزمین ایران در دوران اسلامی و پیش از آن، ما را با سلسله‌ای از عقاید و آرای حکمای الهی این سرزمین آشنا می‌کند که همگی متأثر از اندیشه‌ای واحد بوده است. این نکته مشترک، بزرگداشت مقام «نور» به عنوان سرچشمه و منشأ خیر، نیکی و برکت است که در دوران پیش از اسلام، مبنای دینی و حکمی قرار گرفته و در دوران اسلامی نیز اساس مباحث وجودشناسی و معرفت‌شناسی حکمای اسلامی را شکل می‌دهد.

بررسی جنبه‌های گوناگون تأثیر اندیشه‌های اشراقی حکمای اسلامی بر باور نگارگران مسلمان در تبیین هر چه بیش‌تر مبانی هنر اسلامی داشته باشد.

در حوزه هنر اسلامی تاکنون بیش‌ترین تحقیقات صورت گرفته درخصوص نور مربوط به مبحث نور در معماری اسلامی است و تنها در موارد محدودی به مبحث نور در نگارگری پرداخته‌اند که به طور خلاصه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

سلسله تحقیقات کلی درباره نگارگری اسلامی ایران که زیرنظر «محمدعلی رجیبی» توسط گروهی از دانشجویان صورت گرفته و حاصل این تحقیقات، منتج به تألیف ده عنوان کتاب می‌گردد که مفاهیمی نظیر مضامین شیعی در نگارگری، و نگارگری عرفانی را که شامل نحوه استفاده از شکل، رنگ، نور و عناصر نمادین دیگر است دربرمی‌گیرد. آثار نگارگری با توجه به معانی اشعار و مقامات حکایت شده مورد بررسی قرار گرفته است

(رجیبی، ۱۳۷۸). به طور کلی می‌توان گفت که در این کار، نور، هم از جهت مضمونی با مراتب عرفانی ارتباط یافته و هم از جهت ساختاری که در هر دو صورت با معانی عرفانی نور مرتبط است.

در پژوهش فعلی تنها تأکید بر مبحث «نور» به عنوان امری مشترک میان اندیشه‌های اشراقی حکمای اسلامی و همچنین به عنوان نوری معنوی و فراگیر در آثار نگارگری است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر اندیشه‌های اشراقی بر مبنای نور در نگارگری دوران اسلامی ایران است.

روش تحقیق

روشی که برای مطالعه این پژوهش به آن تکیه شده، جمع‌آوری منابع به روش کتابخانه‌ای بوده است. براساس فرضیه‌های زیر، طرح کلی این پژوهش شکل گرفته است:

- ۱- نگارگران مسلمان چونان سایر هنروران دوران گذشته، پیرو آداب و آیینی بودند که برگرفته از آموزه‌های عرفانی و حکمی اندیشمندان مسلمان است.

- ۲- نسبت نظریه‌های معرفت‌شناسی اندیشمندان اسلامی متناظر با مبحث نور است و نظریه‌های آنان با تمثیل مراتب نور تبیین می‌شود.

- ۳- نظریه‌ها و آموزه‌های اندیشمندان مسلمان که براساس تمثیل مراتب نور مطرح شده، تأثیر زیادی بر عملکرد نگارگران مسلمان داشته، به طوری که این تأثیر به‌خوبی در آثار آنان آشکار است.

به این منظور ابتدا آرای دو تن از حکمای اسلامی در مورد نور مطرح می‌شود که با الهام از سوره نور در قرآن کریم صورت گرفته است. در این میان، جایگاه «سهروردی» یا شیخ اشراق از جهت تداوم و تأثیری که در فرهنگ عرفانی ایران در قالب تصوف اسلامی بر جای گذاشته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پس از این، جایگاه نور در آثار نگارگری بررسی می‌شود که منظور از نور در این جا کیفیت درخشان تصاویر به

همراه برخی از نمادهای نوری است که در دو اثر مطرح در حوزه نگارگری نسخه‌های خطی ایرانی بررسی می‌شود. این آثار از دورانی انتخاب شده‌اند که همزمان با رواج اندیشه‌های اشراقی در فرهنگ ایرانی است. در انتها با توجه به مباحث مطرح شده و با در نظر گرفتن فرضیه‌های پژوهش، یافته‌ها و نتایجی که از پژوهش حاصل آمده به طور دقیق ذکر خواهد شد.

یافته‌ها

مفاهیم بنیادین در حکمت نور

در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، کلام وحی شده الهی نقطه عطف علوم و معارف است و اندیشمندان مسلمان در هر رتبه و رشته‌ای از علوم، برای تبیین معارف خویش به نوعی به قرآن کریم رجوع کرده‌اند.

آیه سی و پنجم سوره مبارکه «نور» از جمله آیات گهربار این کلام مقدس است که مورد توجه و تفسیر حکما و متفکرین بسیار قرار گرفته است.

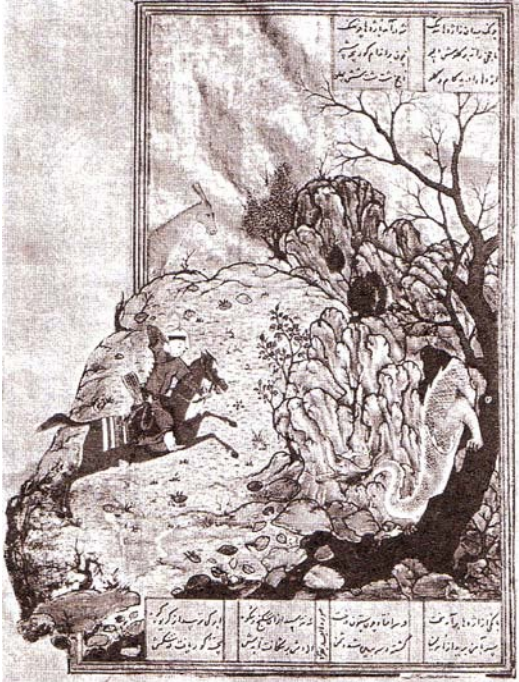
در این آیه، حق تعالی خویش را نور آسمان‌ها و زمین خوانده که مثال نور وی همچون چراغدانی است که در آن چراغی روشنی بخش در میان شیشه‌ای شفاف قرار دارد. درخشش آن گویی ستاره‌ای نورافشان است که برافروخته از درخت پربرکت زیتون است که پرتوش را برآوردگاه و خفت گاهی نیست. نزدیک است که روغنش بتابد و خود روشنی بخشد، بی‌آنکه آتشی به آن رسیده باشد. نوری برتر از نور که خدای تعالی به نور خویش، آن کس را که خواهد هدایت می‌بخشد. در آخر آیه، خداوند متعال خود را آگاه‌ترین آگاهان بر هر چیز می‌خواند و برای مردمان مثال‌هایی می‌زند تا با این امثال ایشان را بیآگاهانند.

از میان آرای حکمای اسلامی، یکی از زیباترین و کامل‌ترین مباحث در مورد نور و مراتب آن که برگرفته از وحی الهی است در اندیشه‌های شیخ اشراق (سهروردی)

متجلی می‌گردد. مبنای بحث او بر پایه اشراق قرار می‌گیرد. اشراق به معنای ظهور انوار الهی بر جان انسان است که کلید فهم آن نیز خودشناسی است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حکمت سهروردی، دیدگاه وحدانی او و تلفیقی است که بین همه حکمای اشراقی ایجاد می‌کند. از دید او، حکمت حقیقی، یکی است.

«سهروردی» در بحث مراتب وجودی بسیار متأثر از «امام محمد غزالی» فقیه و متکلم بزرگ مسلمان است، چنان‌که از دیدگاه او نیز وجود با نور برابر است. شیخ اشراق عالم را به سه مرتبه تقسیم می‌کند: عالم ملکوت، عالم معقول، و عالم محسوس. عالم ملکوت یا عالم خیال نزد او حد واسط میان عالم معقول و عالم محسوس است. صور خیالی نیز برخلاف صور حسی قائم به خود هستند، نه وابسته به مکانی که در آن دیده می‌شوند. نفس انسانی می‌تواند در اثر ریاضت که منجر به تضعیف صور حسی می‌شود، صور مثالی عالم خیال را شفاف‌تر گرداند و به این طریق یک مرتبه به منبع نور و نور علی نور نزدیک‌تر شود (سهروردی، ۱۳۶۱).

یکی از مفاهیم بنیادی در حکمت نوری ایرانیان که «سهروردی» بر آن تأکید بسیار دارد مفهوم «فرّه» است. فرّه مشاهده انوار الهی است که سالک در طی طریق به آن دست می‌یابد. فرّه به صورت هاله‌ای گرد سر موجودات نمایان می‌شود و اگر مخصوص پادشاهانی باشد که به مقامات روحانی رسیده‌اند، «کیان فرّه» نام دارد. نزد سهروردی، خورشید واسطه افاضه «کیان فرّه» است (سهروردی، ۱۳۶۱).

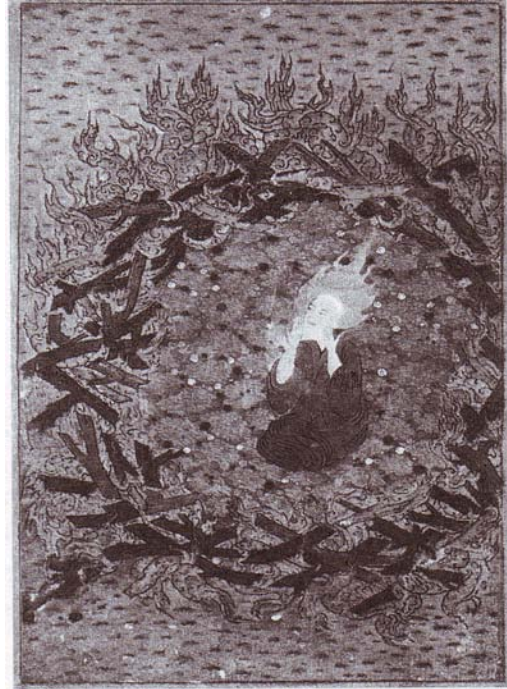


تصویر شماره ۲: برگرفته از گری، ۱۳۶۹ بهرام گور اژدها را می‌کشد

ذکرهای مختلف، هر کدام نور خاص خود را دارند و مثال خورشید، نمایانگر کمال دل است. مشاهده نورهای رنگی هم بسته به رنگ نور، نشان از مقام‌های مختلف عارف دارد. نور کبود، نمایانگر نفس لوامه یا ظلمت نفس است که با نور روح آمیخته گشته و نور سپید، نمایانگر اسلام و حد اعلای معرفت است. بنابراین از دیدگاه ابن عارف الهی هر چه میزان ظلمت نفس بیشتر است نور به سوی رنگ تیره جریان دارد و هر چه میزان معنویت نفس بیشتر شود بر روشنایی نور افزوده می‌گردد تا آن‌جا که اگر تمام دل به غایت صفا برسد دیگر هیچ رنگی باقی نمی‌ماند. همین‌طور نور سبز را برابر با نفس مطمئنه می‌داند که از نور روح و صفای دل برخاسته است. او از نور دیگر به رنگ سیاه تیره نام می‌برد که آن را جلوه صفات جلال الهی برمی‌شمرد (رازی، ۱۳۶۱).

نگارگری

شناخت و درک مفهوم «نور» در نگارگری ایرانی مستلزم آشنایی با ویژگی‌های این نوع نقاشی است. آنچه را ما با



تصویر شماره ۱: برگرفته از پوپ، ۱۳۶۹ حضرت ابراهیم در آتش

اهمیت «سهروردی» در نظام فلسفی اسلام و ایران نه تنها به خاطر حیطه گسترده مباحث او در حکمت نوری ایرانیان و تعبیری است که از آن دارد، بلکه به واسطه تأثیری است که او بر نظام فکری حکمت و فلسفه ایرانی پس از خود بر جای می‌گذارد؛ به طوری که این تأثیر در میان صوفیان و عرفای ایرانی کاملاً مشخص است. یکی از این عرفا «نجم‌الدین رازی» است. از جنبه‌های مهم کار او طرح مبحث تمثیل نورهای رنگی نزد عارف است.

بحثی که «نجم رازی» ارائه می‌دهد بسیار متأثر از مبحث انوار درونی است که «ابن‌سینا» و «سهروردی» هر دو آن را مطرح کرده‌اند. او این مباحث را در کتاب مهم خود «مرصادالعباد» در بخش سوم آن که به بیان مشاهدات سالک اختصاص دارد شرح می‌دهد (رازی، ۱۳۶۱). از نظر «نجم رازی» توانایی دریافت نورهای معنوی نزد هر کس، وابسته به میزان صیقل دل او است و هر چه میزان صیقل دل بیشتر باشد میزان نورها بیشتر می‌شوند.

سرچشمه و منشأ این نورها مقام عرفانی خود عارف است، به طوری که مفاهیم روحانیت، ولایت، نبوت و

قرون ۹ و ۱۰ قمری است با عنوان «بهرام گور، اژدها را می‌کشد» (گری، ۱۳۶۹). طراحی قوی او در کنار ترسیم دقیق و واقعی صخره‌ها و درخت (در عین عدم وجود بعد سوم) به پیکره‌ها حالتی متحرک بخشیده است؛ اما اوج این اثر در رنگ یک دست طلایی آسمان است. این نور طلایی که انعکاس نور خورشید را در آسمان و کل صحنه می‌نمایاند، تجلی و نمادی از نور الهی است. نور خورشید بخصوص نور طلایی آن همواره نزد عرفا نماد تجلی انوار الهی به شمار آمده است. به نظر می‌رسد آنچه نزد عرفا «اشراق» نامیده می‌شود به بهترین وجه در آثار بهزاد جلوه‌گر شده است. همچنین از لحاظ زمانی نیز این دوره، هم‌زمان با ظهور اندیشه‌های اشراقی حکیم بزرگ ایرانی سهروردی در فرهنگ و تمدن ایران اسلامی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

آنچه به طور کلی پس از این بحث مختصر می‌توان مراد کرد این است که:
نگارگران ایرانی به مانند حکمای الهی سرزمین خود نسبت به نور نگاهی معنوی دارند که با درخشانی رنگ‌ها، عدم حضور سایه و بُعد، حضور نوری طلایی و استفاده از نماد آتش و خورشید، این نگاه را در آثارشان تجسم می‌بخشند.

نام کلی «نور» در این نوع نقاشی می‌شناسیم علاوه بر این که یک ویژگی صوری است نشان از بینشی خاص دارد که در سنت نقاشی این سرزمین همواره پا برجا بوده و همین امر نیز باعث شده تا نور در این آثار بسیار خاص جلوه کند. نور در نگارگری ایران دارای منبع مشخصی نیست که بتوان آن را بر این مبنای بررسی کرد و نیز امری پنهان نیست که بتوان کیفیت تأثیرش را نادیده گرفت. یکی از تصاویری که حاکی از نوری فراگیر در این آثار است تصویری متعلق به یک جنگ متشکل از متون فارسی و عربی است (پوپ، ۱۳۶۹).
این اثر مربوط به عهد «تیموری» است و حضرت ابراهیم (ع) را در آتش نشان می‌دهد. نگارگر این اثر برای ما ناشناخته است و تنها می‌دانیم که در شیراز می‌زیسته است. نوع کمپوزیسیون این تصویر دایره‌وار است و حضرت «ابراهیم» را در حال دعا کردن نشان می‌دهد که گرداگرد او را بستری از گل فرا گرفته و دور گل‌ها هیزم و شعله‌های آتش تصویر شده است. به واسطه موضوع، فضای تصویر نیز حالتی عرفانی دارد و «رضا» و آرامشی که در چهره ابراهیم (ع) وجود دارد به همراه درخشش رنگ‌ها و نورانیته که از آتش ساطع می‌شود کل فضای تصویر را روشن کرده است. شعله‌های طلایی دور سر که حاکی از مقام معنوی و الهی این پیامبر خدا است، تعبیری از همان مفهوم فرّه در حکمت اشراقی سهروردی است.
یکی دیگر از آثار نگارگری که به خوبی نمایانگر مفهوم نور است اثری متعلق به «کمال‌الدین بهزاد» نگارگر مشهور

فهرست منابع

- رجبی، محمدعلی (۱۳۷۸)، پژوهشی جامع در نگارگری اسلامی ایران، نامه فرهنگستان علوم، ش ۱۴ و ۱۵.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۶۱)، حکمه‌الاشراق، ترجمه جعفر سجادی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گری، بازیل (۱۳۶۹)، نقاشی ایران، ترجمه عربعلی شروه. تهران، نشر عصر جدید.

- قرآن کریم.
- آرتور، پوپ (۱۳۶۹)، آشنایی با مینیاتورهای ایرانی، ترجمه حسین تیر. تهران، انتشارات بهار.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۶۱)، برگزیده مرصادالعباد، با مقدمه امین ریاحی محمد. انتشارات توس.